



یواغقتشل / سناپی / ایران

حسین درودیان، اقتصاددان و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «ایران»:

تبعات منفی بودجه ۱۴۰۰ تا سال ۱۴۰۲ ادامه دارد

دولت قبل چون می دانست بودجه ۱۴۰۰ را خودش نمی خواهد اجرا کند، بودجه را بد بست و در مصارف بودجه رهاقت نکرد!

مریم آریایی
خبرنگار

دولت دوازدهم در تدوین بودجه سال جاری به طرز مشکوکی بی‌محابا مصارف را بالا برد؛ گویی مهم نیست کسری بودجه ایجاد شود، به این مشکلات که به کسری بودجه دامن می‌زد باید شرایط تحریم و افزایش نرخ ارز را اضافه کرد تا همچنان «خط ترمز» بحران اقتصادی از قبل برای دولت سیزدهم باقی بماند. حسین درودیان، اقتصاددان و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «ایران» با تشریح این شرایط تصریح می‌کند که شرایط اقتصادی ماسخت است و قاعدتاً تدابیر معطوف به مهار مشکلات و کنترل سیلاب‌هایی است که در عرصه اقتصاد با آن مواجه هستیم اما به دولت سیزدهم توصیه می‌کند که در ادامه کار باید متوجه وجوه ایجابی نیز باشد. این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

■ **امسال رکورددار کسری بودجه بودیم چرا؟**
در سال ۱۴۰۰ علت عمده کسری فاصله بین منابع و مصارف بود که از یک سو ما در وضعیت تحریمی قرار داشتیم و همین وضعیت، درآمد نفتی ما را کاهش می‌دهد و درآمد نفتی هم به طور مستقیم سهم مهمی در بودجه داشته و هم تأثیر غیرمستقیم بر درآمدی که دولت از مالیات و شرکت‌ها به دست می‌آورد دارد و همچنین اثر فزاینده به طور عمومی روی درآمد‌های دولت دارد و از این حیث تحت فشار قرار گرفتیم، گرچه رفتن ترامپ و افزایش قیمت نفت مقداری به ما کمک کرد که آن شدت کسری بودجه کاهش پیدا کند.از طرفی بودجه را دولت قبل بسته بود و دولت گذشته در مصارف به طور مشکوکی بی‌محابا عمل می‌کرد چنان‌که گویی اساسا موضوع کسری بودجه اصلا برابیمان چیز مهمی نیست و تقریباً چون می‌دانست نمی‌خواهد این بودجه را اجرا کند در این موضوع مراقبت نکرد و همین باعث شد شکاف بین منابع و مصارف خیلی زیاد باشد و این میزان کسری بودجه ایجاد کرد.

■ **آثار این افزایش هزینه‌های دولت تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟**
آثار آن حداقل تا یکی دو سال دیگر ادامه دارد، مثلاً دولت مجبور شده حقوق و دستمزد را در بودجه سال آینده آرام‌تر افزایش دهد، البته نمی‌دانیم که سرانجام آن چه خواهد شد و مجلس چه خواهد کرد که اگر تأیید نشود در ماریجی افتاده ایم که ادامه دارد، اگر دولت موفق شود حقوق‌ها را ۱۵ تا ۲۰ درصد اضافه کند، تبعات اقتصادی آن تا پایان ۱۴۰۱ ادامه دارد و البته تبعات اجتماعی حتی اگر دولت موفق شود باز همچنان ادامه دارد. در خوشبینانه ترین حالت، دولت از الان تا ۱،۵ دو سال دیگر با این مساله درگیر است و اگر نتواند باید چاره دیگری برای مهار شدنش در نظر بگیرد.

■ **آیا رشد پایه پولی در اثر همین کسری بودجه رخ داد؟**
ما الان رشد پایه پولی سالانه را نداریم چون فعلاً سال تمام نشده و آمار با وقفه گزارش می‌شود ولی رشد پایه پولی ۶ ماه را داریم که رشد خیلی بالایی نیست و نسبت آنچه بیم داشتیم در مجموع وضعیت بد نشده است البته نمی‌خواهم بگویم وضعیت خوبی است اما به نسبت شرایطی که ما داشتیم و وضعیت کسری بودجه و موقعیتی که مجموعاً به لحاظ درآمد نفتی داریم، از آن بیم داشتیم و ترسی که داشتند که اگر لا شده و از کنترل خارج شود، اتفاق نیفتاد.

■ **چه چیزی مانع شد؟**
ما مقداری بهبود در درآمد نفتی داشتیم و مقداری هم توانستیم روی فروش اوراق کار کنیم؛ گرچه از پاییز به خاطر وضعیت

می‌زنیم نه یک بانک و دو بانک، وقتی یک بانک و دو بانک باشد عددش در مقیاسی نمی‌شود که بتوان راجع به آن به‌عنوان یکی موضوع مستقل حرف زد. وقتی از بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی صحبت می‌شود مثل وضعیتی که در سال‌های ۹۳ و ۹۴ وجود آمد و یکباره بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی جهش پیدا کرد که چهره سیستمی داشت و موضوع یک بانک و دو بانک نبود و مربوط به شرایطی بود که دولت سعی کرد جلوی رشد پایه پولی را بگیرد و در شرایطی که بانک‌ها و نرخ‌های پولی به طور مشخص از کانال بانک‌ها عملاً روی پله برقی قرار دارند که ایستادنی وقایل توقف نیست، عدم برداشت از بانک مرکزی منجر به اضافه برداشت بانک‌ها می‌شد، به عبارتی دولت پولی را که قبلاً به‌صورت عادت از طریق انواع برداشت‌ها از بانک مرکزی در دست بانک‌ها می‌ریخت حالا دیگر نمی‌خواهد بریزد و سعی می‌کند آن را کنترل کند و بانک‌ها به‌طور سنتی مصارفشان به آن سرعت کاهش پیدا نمی‌کند و با همان سرعت ادامه پیدا می‌کند، چرا که بسیاری از پرداخت‌های بانک‌ها ازجس تعهدی و برنامه‌ریزی شده از قبل است و نمی‌تواند آنها را بسرعت کنترل کند. بنابراین، آن تعهدات به تبعات پیشین بانک اضافه می‌شود و کاری ندارد که کسری بودجه دولت کم است یا زیاد.

■ **شوک بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی چه زمانی رخ داد؟**
سال ۹۳ شروع شد، یعنی زمانی که بانک‌ها در معرض فشارهای اجتناب‌ناپذیر و تعدیل‌شدنی قرار گرفتند اما دولت سعی می‌کند جلوی پایه پولی را بگیرد و پایه پولی همان مصرفی است که بانک‌ها نیاز دارند. به عبارتی وقتی ترازنامه‌های بانک‌ها با نرخ مشابه قبل در می‌رود، دیگر کنترل پایه پولی کار نمی‌کند. اما در سال‌هایی که کسری بودجه بالاست و دولت زیاد از بانک مرکزی برداشت می‌کند یعنی صرفاً استقراض هم نیست مثلاً یکی را بگیرد و پایه پولی همان مصرفی است که بانک‌ها نیاز دارند. به عبارتی وقتی ترازنامه‌های بانک‌ها با نرخ مشابه قبل در می‌رود، دیگر کنترل پایه پولی کار نمی‌کند.

اما در سال‌هایی که کسری بودجه بالاست و دولت زیاد از بانک مرکزی برداشت می‌کند یعنی صرفاً استقراض هم نیست مثلاً یکی را بگیرد و پایه پولی همان مصرفی است که بانک‌ها نیاز دارند. به عبارتی وقتی ترازنامه‌های بانک‌ها با نرخ مشابه قبل در می‌رود، دیگر کنترل پایه پولی کار نمی‌کند. اما در سال‌هایی که کسری بودجه بالاست و دولت زیاد از بانک مرکزی برداشت می‌کند یعنی صرفاً استقراض هم نیست مثلاً یکی را بگیرد و پایه پولی همان مصرفی است که بانک‌ها نیاز دارند. به عبارتی وقتی ترازنامه‌های بانک‌ها با نرخ مشابه قبل در می‌رود، دیگر کنترل پایه پولی کار نمی‌کند.

اما در سال‌هایی که کسری بودجه بالاست و دولت زیاد از بانک مرکزی برداشت می‌کند یعنی صرفاً استقراض هم نیست مثلاً یکی را بگیرد و پایه پولی همان مصرفی است که بانک‌ها نیاز دارند. به عبارتی وقتی ترازنامه‌های بانک‌ها با نرخ مشابه قبل در می‌رود، دیگر کنترل پایه پولی کار نمی‌کند. اما در سال‌هایی که کسری بودجه بالاست و دولت زیاد از بانک مرکزی برداشت می‌کند یعنی صرفاً استقراض هم نیست مثلاً یکی را بگیرد و پایه پولی همان مصرفی است که بانک‌ها نیاز دارند. به عبارتی وقتی ترازنامه‌های بانک‌ها با نرخ مشابه قبل در می‌رود، دیگر کنترل پایه پولی کار نمی‌کند.

اما در سال‌هایی که کسری بودجه بالاست و دولت زیاد از بانک مرکزی برداشت می‌کند یعنی صرفاً استقراض هم نیست مثلاً یکی را بگیرد و پایه پولی همان مصرفی است که بانک‌ها نیاز دارند. به عبارتی وقتی ترازنامه‌های بانک‌ها با نرخ مشابه قبل در می‌رود، دیگر کنترل پایه پولی کار نمی‌کند. اما در سال‌هایی که کسری بودجه بالاست و دولت زیاد از بانک مرکزی برداشت می‌کند یعنی صرفاً استقراض هم نیست مثلاً یکی را بگیرد و پایه پولی همان مصرفی است که بانک‌ها نیاز دارند. به عبارتی وقتی ترازنامه‌های بانک‌ها با نرخ مشابه قبل در می‌رود، دیگر کنترل پایه پولی کار نمی‌کند.

اما در سال‌هایی که کسری بودجه بالاست و دولت زیاد از بانک مرکزی برداشت می‌کند یعنی صرفاً استقراض هم نیست مثلاً یکی را بگیرد و پایه پولی همان مصرفی است که بانک‌ها نیاز دارند. به عبارتی وقتی ترازنامه‌های بانک‌ها با نرخ مشابه قبل در می‌رود، دیگر کنترل پایه پولی کار نمی‌کند.

تحلیل کنیم تحلیل روا و معقولی نیست بلکه برای میانگین، سال را باید در نظر بگیریم که میانگین سال هم عدد بالایی است و تصور می‌کنم عددی حدود ۴۰ درصد قرار گیرد یعنی در قواره سومین یا چهارمین تورم بالا در تاریخ اقتصاد ایران.

■ **رویکردهای دولت آیا تأثیری در مهار تورم نداشته یا نخواهد داشت؟**

تغییر رویکردها ممکن است تأثیر داشته باشد اما الان بسیار زود است که بخواهیم تأثیر تغییر رویکردها را در شاخص‌های اقتصادی و اثرگذاری آنها بسنجیم. روی کار آمدن دولت بیشتر اثر روانی و انتظاراتی می‌تواند داشته باشد و تغییرات واقعی زمانی است که دولت اولین بودجه‌اش را بنویسد و اجرا شود و در متغیرهایی مثل کسری بودجه، نقدینگی و... اثر دولت را باید از سال بعد بررسی کرد الان اما هنوز خط ترمز اتفاقاتی است که از سال‌های قبل رخ داده است.

■ **به نظر شما اتفاقاتی که از قبل افتاده تا چه زمانی در ما اثرگذار خواهد بود؟**

اتفاقاتی که از قبل افتاده به طور مشخص جهش نرخ ارز و افزایش هزینه‌های دولت در این شرایط مؤثر بوده؛ افزایش نرخ ارز را همچنان داریم که در کوتاه مدت به مناسبات خارجی ما بستگی دارد اما درباره کسری بودجه ممکن است مقداری متفاوت باشد و کاهش پیدا کند. حتی بیم این را دارم که کاهش کسری بودجه زیاد باشد اما چون اقتصادی هستیم که رشد نرخ ارز نخواهیم داشت حتی اگر ۱۰ درصد داشته باشیم، افزایش پایه پولی و نقدینگی خود را می‌طلب؛ البته باید دقت داشته باشیم که اثرات شوک‌های ارزی در همان سال خلیه نمی‌شود و ما هنوز اثرات سال‌های قبل را به همراه داریم. اگر نرخ ارز ثابت نماند نیازمند این هستیم که بخش پولی هم همراهی کند و گرته ممکن است دچار رکود شویم بنابراین اگر به ثبات نسیم ممکن است کاهش کسری بودجه اثرات معکوس و انقباضی داشته باشد.

■ **بیشتر توضیح می‌دهید.**
اثر انقباضی به این معنا که آن اندازه‌که اقتصاد به پول نیاز دارد عرضه نشود، مثلاً به طور مشخص درراه پایه پولی چون بانک‌ها در پیوند با اقتصاد هستند و اگر اقتصاد پول بیشتری بخواهد عملاً نظام بانکی نمی‌تواند از این موضوع استکفاد کند، اما به هر حال سیاست کنترل ترازنامه را داریم که از سوی بانک مرکزی اعمال می‌شود و این ریسک وجود دارد که پول به اندازه نیاز اقتصاد عرضه نشود از سوی دیگر رشد پایه پولی به‌دلیل کسری بودجه محدود شود و این شکاف را به وجود آورد، البته هرچند می‌تواند تا حدی کاهش تورم داشته باشد اما آثار محسوس رکودی هم برای اقتصاد ما خواهد داشت.

■ **برای جلوگیری از این شرایط چه باید کرد؟**

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

داشته باشید که به نقدینگی دامن می‌زند یعنی موضوع زیاد ساختاری نیست بلکه عوامل هستند که به تورم دامن می‌زنند، چون ساختار در مقابل عاملیت است به این ترتیب ممکن است تورم پولی داشته باشید اما ساختاری نباشد یا تورم پولی داشته باشید و ساختاری باشد. درباره تورم در ایران هرچند که ساختار را بسیار مهم می‌دانم یعنی ساختاری که منجر به رشد نقدینگی بالا می‌شود اما در دوره‌هایی که تورم ما از متوسط بالاتر بوده مثل همین سال‌هایی که در آن هستیم موضوع ارز را موضوع بسیار مهمی می‌دانم، یعنی نیرویی که تورم ما را از سطح متوسط بالاتر می‌برد در درجه اول جهش نرخ ارز است اما تورم متوسط و میانگین را می‌توانیم به رشد نقدینگی نسبت بدهیم که لااقل از سال ۸۰ که بانک‌ها قدرت بیشتری در خلق پول پیدا می‌کنند به آن دامن زده شد و از این لحاظ رشد نقدینگی متوسط یک پدیده ساختاری هم تلقی می‌شود و تورم بلند مدت ما را ساختار ایجاد می‌کند که یک نقدینگی بی‌کیفیت تولید می‌کند.

■ **درباره رشد نقدینگی که در ۸ سال گذشته ۷۰۰ درصد رشد کرده بفرمایید چرا این اتفاق افتاده و این نقدینگی کجاست؟ چه آسیب‌هایی زده است؟**

رشد نقدینگی ما در ۸ سال گذشته نسبت به هر برهه دیگری، بی‌کیفیت‌ترین رشد نقدینگی بوده است، گرچه اقتصاددانان بیشتر درباره کمیت رشد نقدینگی صحبت می‌کنند و موضوع مغفولی که به آن پرداخته نمی‌شود، رشد نقدینگی به لحاظ کیفی است که بسیار مهم است و باید به آن توجه شود. دولت از سال ۹۲ تا ۹۶ تقلاً می‌کند تا جلوی نقدینگی را بگیرد تا رشد نکند اما نقدینگی با سرعت گذشته افزایش پیدا می‌کند و متأسفانه در نقدینگی سهم اجزای کم کیفیت رو به افزایش است مثلاً پرداخت بهره به سپرده در این سال‌ها افزایش قابل توجهی پیدا می‌کند که این نقدینگی نه تنها از جنس مولد نیست بلکه دقیقاً ضد تولید و بخش مولد اقتصاد است. نقدینگی است که به شکل اعتبارات به بخش‌های اقتصادی برای سرمایه‌گذاری و تولید داده می‌شود اما می‌بینیم که نرخ پرداخت بهره به سپرده‌ها تبدیل به موتور قابل توجه در تولید نقدینگی شده است و می‌توان گفت افت فاحشی در کیفیت نقدینگی داشته‌ایم.

از ۹۷ به بعد که به مساله تحریم‌ها و رشد نرخ ارز برمی‌خوریم رشد نقدینگی ما رشد انفعالی به‌دنبال رشد نرخ ارز داشت، یعنی هزینه‌های تولید و سایر هزینه‌ها به شکل تصاعدی بالا رفته و اقتصاد پول بیشتری می‌خواهد و به این دلیل نیست که سرمایه‌گذاری انجام شده باشد لذا باز هم نقدینگی کاملاً بی‌کیفیت بوده گرچه رشد آن لازم بوده است چراکه اگر رشد پیدا نمی‌کرد معاملات متوقف و در اقتصاد اختلال ایجاد

می‌شد اما به هر حال رشد نقدینگی از جنس تولید و سرمایه‌گذاری نیست. بنابراین، این نقدینگی بی‌کیفیت و انفعالی نه تنها گرهی اقتصاد ما باز نکرده، بلکه خود آن افزوده است.

■ **نقش بانک‌های خصوصی را در این رشد نقدینگی چطور می‌بیند؟**
نقش بانکداری خصوصی در رشد نقدینگی ما از همان آغاز کار این بانک‌ها محسوس بوده و نقدینگی با شیب تندى افزایش پیدا کرده است؛ البته باید دقت کنیم که وجود بانک‌های خصوصی هیچ منافاتی با کسری بودجه دولت هم ندارد و لازم نیست بین این دو یکی را به‌عنوان عامل در تحلیل‌های خود انتخاب کنیم، کسری بودجه دولت روی پایه پولی می‌نشیند و اثر خود را روی پایه پولی می‌گذارد و پایه پولی ایجاد است که بانک‌های خصوصی می‌گیرند و برای مصارف خود استفاده می‌کنند، اینها دو چیز متناقض نیستند. آثار و عوارض بسیار منفی این موضوع از سال ۹۲ تا ۹۶ پدیدار شد یعنی زمانی که دولت تصور می‌کرد اگر بتواند جلوی برداشت از بانک مرکزی را بگیرد این کار بانک‌ها متوقف می‌شود، در حالی‌که این طور نشد، البته در سه چهار سال اخیر تا حدی نقش بانک‌های خصوصی را کم‌رنگ

شده‌تر می‌بینم، به‌دلیل اینکه کسری بودجه دولت ابعاد بیشتری پیدا کرده و تأمین آن از پایه پولی فراتر رفته و مستقیماً روی خود نقدینگی آمده و حتی روی ترازنامه بانک‌ها نشسته است، بنابراین انبساط‌هایی که در آنها رخ داده تحت تأثیر بودجه دولت شده است. در نتیجه در سال‌های اخیر که وضعیت کسری شدیدتر شده و درآمد نفت کاهش پیدا کرده، این تعادل به نفع دولت و کسری بودجه تغییر کرده، آن هم کسری که دیگر مستقیماً روی ترازنامه بانک‌ها نشسته و ترکیب قبلی را به زیان بانک‌ها تغییر داده اما نه به نحو خوبی چون این شرایط می‌تواند مثبت هم باشد اما در اینجا مثبت نبود چرا که وقتی برای بودجه و دادن حقوق از بانک‌ی که به بازنشستگان خدمات می‌دهد برداشت می‌کند تا حقوق بازنشستگان را بدهد، نقدینگی ایجاد می‌کند که نقدینگی غیرمولد است و این بدتر از آن چیزی است که بانک‌های خصوصی انجام می‌دادند و هر دو بر رشد نقدینگی غیرمولد اثر می‌گذاشتند. این اتفاق از حیث آثار منفی حتی بدتر از آن چیزی است که بانک‌ها انجام می‌دادند.

■ **در بحث فروش اوراق هم دیدیم که دولت قبل بدهی زیادی روی دست دولت سیزدهم گذاشت و تا سال‌ها باید اصل و سود این اوراق را پرداخت کند، در این مورد دیدگاه شما چیست؟**

در بحث فروش اوراق اتفاقی که در چند سال اخیر با شیب افزایش پیدا کرد، البته اگر به نسبت تورم حساب کنیم و اندازه‌ای که اقتصاد ما به لحاظ ارقام پولی بزرگ می‌شود نه از حیث تولید عظمت و اهمنیتی که انتشار اوراق داشته کاهش پیدا می‌کند چون پایه‌ها و ارقام بزرگ می‌شود اما به هر حال روند آن رو به افزایش است، این موضوع نگران‌کننده است به این جهت که شیب آن نسبتاً زیاد بوده و اگر دولت بخواهد از این ناحیه دچار مشکل نشود باید با همان روند به پیش برود یعنی معادل اوراقی که سررسید می‌شود دوباره به فروش برساند و جایگزین می‌شود اگر بخواهد احتیاط در پیش بگیرد باید شیب فروش اوراق را کم کند و معنای آن این است که بازپرداخت بدهی‌های گذشته را دنبال می‌کند. کاری که دولت در بودجه بعدی آینده کرده کاهش این شیب است یعنی میزان بازخريد اوراق بیشتر از میزان اوراقی است که به فروش می‌رساند و از این حیث دولت تحت فشار خواهد بود.

■ **درباره ارز ۴۲۰۰ تومانی، سیاست دولت درباره اصلاح نحوه تخصیص آن و اینکه تأکید می‌شود اگر بر داشته شود، تورم کمتر از میزان تورمی خواهد بود که تداوم آن به‌دنبال دارد و حتی تداوم آن تا بیش از ۲۰ درصد تورم افزایش می‌دهد، تحلیل شما از این تصمیم چیست؟**

البته ممکن است تورمی که حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی ایجاد می‌کند کمتر از تداوم آن باشد اما تورم حذف، روی اقلای قرار می‌گیرد که کاملاً با سفره مردم در ارتباط است مثل گوشت قرمز، مرغ و تخم مرغ و حتی اگر میانگین تورم بسیار کمتر باشد اما آنچه خانوار در سفره خود لمس می‌کند بسیار بیش از این خواهد بود. بنابراین در حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی مسأله اصلی ما نمی‌تواند بودجه‌ای باشد و باید فشار بر ارقام خوراکى، مصرفی و روزانه مردم با بسته‌های جایگزین جبران شود و حداقل چند دهک ششامه شده کالاها اساسی را با قیمت ترجیحی لااقل برای یکی دو سال داشته باشند و خیلی روی وجه بودجه‌ای حساب نکنیم.

■ **آیا تداوم تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به شکل کنونی ممکن است؟**

خیر تداومش هم امکان پذیر نیست، اما مسأله این است که دولت، با افکار عمومی چطور مواجه می‌شود؛ مردم نباید حس کنند که می‌خواهند چیزی را جیب آنها بردارند و باید مشخص شود که جایگزین آن چیست؟ دولت باید درباره جایگزین آن، چگونددی و چشم‌اندازی داشته باشد.

■ **چه پیشنهادی به دولت برای شرایط فعلی اقتصادی دارید؟**

شرایط اقتصادی ما سخت است و قاعدتاً تدابیر، معطوف به مهار مشکلات و کنترل سیلاب‌هایی است که در عرصه اقتصاد با آن مواجه است اما در ادامه کار باید توجه وجوه ایجابی نیز باشد. اینکه تمام پتانسیل و انرژی صرف مهار بحران‌ها و مشکلات شود در نهایت قضاوت مردم این نخواهد بود که کار خفایه انجام شده بنابراین باید سراغ جنبه‌های توسعهای، سازندگی، آبادانی، رشد اقتصادی، تشکیل سرمایه و... هم آرام آرام یا به موازات تلاش برای مهار مشکلات و بحران‌ها باشد. به طور خاص طرح‌های بزرگ ملی پیشران در برخی بخش‌ها و اولویت دار مثل مسکن، حمل‌ونقل جاده‌ای و طرح‌های آزادراهی، طرح‌های مهم ریلی نیز بسرعت در دستور کار دولت قرار گیرد که هم در قضاوت مردم تأثیرگذار است و هم سرمایه اجتماعی بهبود می‌یابد.